

پیرامون سخنرانی

پیامدهای جهانی شدن؛ یک رویکرد آماری

آلبرت بغزیان - دکترای اقتصاد بین‌الملل

شواهد کمی و کیفی آثار جهانی شدن می‌باشد.

بخش ۱: چارچوب تحلیل

به راستی چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟ در بین خیرنگاران و سیاست‌مداران صحبت از Global Speak است. در کامپلا مرکز درمانی با نام Global Health Services تأسیس شده است. واژه‌هایی مانند: Global Finance, Global Market, Global Security و نظایر آنها مرتباً در مجلات و روزنامه‌ها دیده می‌شوند. آیا سردرگمی و سوءتفاهم درباره "جهانی شدن" (globalization) اغلب از تعریف آن بر نمی‌خیزد؟ در حقیقت، برخی افراد به راحتی از این کلمه استفاده می‌نمایند بدون آنکه منظور خود را از

مقاله حاضر گزیده‌ای از متن سخنرانی انجام شده با عنوان "پیامدهای جهانی شدن" در سالن شهید لاجوردی سازمان صنایع و معادن بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی در مرداد ماه ۱۳۸۰ می‌باشد. جای دارد از دست اندرکاران اداره توسعه و آموزش مدیریت "دفتر امور مدیران" آن نهاد انقلابی برای برگزاری چنین سخنرانی‌هایی جهت ارتقاء سطح آگاهی‌های مدیران ارشد کشور قدردانی و تشکر لازم بعمل آید. موضوع سخنرانی به ۳ بخش تقسیم شده است:

- بخش ۱: چارچوب تحلیل؛ بخش ۲: تغییر و استمرار؛ بخش ۳: موضوعات سیاسی؛

قسمت اعظم بخش اول به این امر که آیا جهانی شدن پدیده‌ای جدید است یا قدیمی؛ آیا طی روند جهانی شدن تغییر حاصل می‌شود یا استمرار؛ آیا پدیده‌ای مفید است یا مضر؛ عرصه‌ها، مفاهیم، مراحل و سیر تاریخی و عوامل جهانی شدن می‌پردازد. در بخش دوم به تأثیر جهانی شدن بر شیوه تولید، تمرکز سرمایه و شیوه حکومت دولت‌ها پرداخته می‌شود. بخش سوم به موضوع امنیت و عدم امنیت با انجام تقسیم‌بندی مناسب از امنیت و موضوع عدالت و بی‌عدالتی در دوره شدت گرفتن پدیده جهانی شدن

پرداخته و نهایتاً با توجه به نتایج اتخاذ شده که در انتهای هر بخش و فصول مربوطه آن اشاره می‌شوند راه کارهای بهبود آینده جهانی بشریت و کاهش صدمات حاصل از جهانی شدن مورد بحث قرار می‌گیرند.

هدف از سخنرانی، ۱) توسعه مفهوم نسبتاً دقیقی از جهانی شدن و استنباط چند بُعدی از آن، ۲) بررسی سیستماتیک عوامل و پیامدهای جهانی شدن، و ۳) پاسخگویی به دامنه‌ای از سؤالات ارزشی حول مقوله‌های امنیت و برابری در چارچوب

برای بررسی مفید (خوب) و مضر (بد) بودن "جهانی شدن" باید در سه مقوله امنیت، عدالت و دموکراسی کنکاش کرد. کاهش طرح‌های تسلیحات نظامی، افزایش تروریسم جهانی، شدت گرفتن نژادپرستی و تعصبات مذهبی، تشکیل گروه‌های آسمان آبی و کمربند سبز، مبارزه با انقراض گونه‌های جانداران، کاهش سطح قیمت‌های جهانی، حاد شدن بحران بدهی‌ها و تهاجم فرهنگی، حاکی از افزایش و کاهش انواع امنیت در دوره جهانی شدن هستند.

این واژه بیان‌کننده برای مثال، برخی "جهانی شدن" را "مرحله‌ای از سرمایه‌داری" یا "نوگرایی اخیر" و یا "روشی برای تفکر نوین" توصیف می‌کنند بدون آن که محتوای چنین مفهومی را مشخص کنند. حتی برخی آن را فرایند کنونی جهان‌گرایی قلمداد می‌کنند. در این صورت جایگاه مفاهیمی مانند "طبقه"، "پول"، "قانون"، "توسعه"، "بین‌الملل" و... کجا قرار می‌گیرد؟ از سوی دیگر جهانی شدن می‌تواند تغییر و هم چنین استمرار را در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به



همراه داشته باشد. آیا در زمینه تولید (عرصه اقتصادی)، ماهیت بازارها، شیوه مدیریت در صحنه رقابت جهانی و انباشت سرمایه در نظام سرمایه‌داری تغییر و همزمان استمرار یافته‌اند؟ آیا در زمینه حکومت (عرصه سیاسی) دولت‌ها هم رقابتی‌تر و هم تقویت شده‌اند؟ آیا در زمینه فرهنگ (عرصه فرهنگی) ترجیحات و سلیقه افراد، شیوه مصرف تغییر و یا تحکیم یافته‌اند؟ به این سؤالات در ادامه متن حاضر پاسخ داده خواهد شد.

برای بررسی مفید (خوب) و مضر (بد) بودن "جهانی شدن" باید در سه مقوله امنیت، عدالت و دموکراسی کنکاش کرد. کاهش طرح‌های تسلیحات نظامی، افزایش تروریسم جهانی، شدت گرفتن نژادپرستی و تعصبات مذهبی، تشکیل گروه‌های آسمان آبی و کمربند سبز، مبارزه با انقراض گونه‌های جانداران، کاهش سطح قیمت‌های جهانی، حاد شدن بحران بدهی‌ها و تهاجم فرهنگی، حاکی از افزایش و کاهش انواع امنیت در دوره جهانی شدن هستند. افزایش فرصت‌های کار برای زنان و معلولین و سیاست‌های تعدیل اقتصادی موجب گسترش برابری و هم‌زمان وخیم شدن توزیع درآمدها شده است. آزادسازی‌ها، رفع موانع رسمی و حتی تظاهرات در سیاتل و جنوا از آثار مثبت و منفی جهانی شدن بر دموکراسی محسوب می‌شوند.

حداقل چهار جنبه، طرز تلقی یا تعریف، را از "جهانی شدن" در چند دهه اخیر می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد. این تعاریف از چندین جنبه مرتبط با یکدیگرند و تا حدی نیز هم‌پوشانی دارند، در حالیکه تأکید آنان بر موضوعات متفاوتی است.

- "جهانی شدن" یعنی "بین‌المللی شدن" (internationalization): از این جنبه، جهانی شدن مترادف با تشریح روابط فرامرزی بین کشورها و رشد مبادلات بین‌المللی و وابستگی هر چه بیشتر است. در این خصوص هیرست و تامسون (Paul Hirst & Grahame Thompson) جهانی شدن را برحسب "جریان عظیم و رو به رشد تجارت و سرمایه‌گذاری بین کشورها" مشخص می‌کنند. شواهد چنین جهانی شدن را می‌توان براحتهی در نقل و انتقالات یا مهاجرت عظیم افراد، ارسال نامه‌ها و گسترش عقاید، رشد مبادلات بین‌المللی و وابستگی‌ها جستجو کرد.

- "جهانی شدن" یعنی "آزادسازی" (liberalization): از این جنبه، جهانی شدن فرایند لغو محدودیت‌ها و موانع وضع شده از سوی دولت‌ها بر نقل و انتقالات بین‌کشوری، به منظور ایجاد یک اقتصاد جهانی "باز" و "فاقد مرز" است. ساندر (Sander)

پیشنهاد می‌کند که جهانی شدن توصیف فرایند ادغام‌های اقتصادی بین‌المللی است. شواهد چنین جهانی شدن را می‌توان در دهه‌های اخیر در کاهش گسترده یا حتی لغو کامل موانع تجاری، محدودیت‌های ارز خارجی، کنترل سرمایه و مسائل شهروندی و گذرنامه و اخذ ویزا (برای ساکنین کشورها) جستجو کرد.

- "جهانی شدن" یعنی "فراگیر شدن و جهانگرایی" (universalization): در حقیقت زمانی که رایزر و دیویس (O. Reiser & B. Davies) کلمه "جهانی" را در دهه ۱۹۴۰ به کار بردند آن را به معنی "جهان‌گرایی" پنداشته و یک "ستر جهانی فرهنگ‌ها" را در غالب یک "بشریت جهانی" پیش‌بینی می‌کردند. شواهد چنین جهانی شدن را می‌توان در گسترش استفاده از تقویم گریگوری، تقویم جهانی، اتومبیل، رستوران‌ها چینی، استعمار ستیزی و حتی بکارگیری گسترده از زبان انگلیسی جستجو کرد.

- "جهانی شدن" یعنی "غربی شدن" (westernization) یا "مدرن شدن"، خصوصاً از نوع آمریکایی (americanization): مطابق این عقیده، جهانی شدن پویایی ساختارهای اجتماعی مدرن‌زیستی (سرمایه‌داری، عقل‌گرایی، صنعت‌گرایی، دیوان‌سالاری و غیره) در سراسر جهان است و بطور طبیعی فرهنگ‌های موجود را طی فرایند خود نابود می‌سازد. کهور (Khor) در این مورد به آنچه در جهان سوم در دهه‌های اخیر بنام مستعمره‌گرایی پدید آمده اشاره می‌کند. شواهد چنین

جهانی شدن را می‌توان در حاکمیت مک دونالد (یا مک‌دونالدی شدن) و سی.ان.ان جستجو کرد.

چنین نگرش‌هایی شاید برای سیاستمداران یا یک آژانس بازاریابی شرط لازم و کافی باشند ولی در مواقعی که نیاز به تحلیل اجتماعی جدی یا ارائه پیشنهادات سیاستی پیش می‌آید تنها شرط لازم تلقی می‌شوند. تعاریف اساساً موجب شکل‌گیری نحوه تشریح، ارزیابی و اقدامات می‌گردند. به عبارت دیگر، تعاریف بر تمامی فهم ما از مسائل تأثیر می‌گذارند.

مفهومی مناسب از جهانی شدن

کلیه مفاهیم ذکر شده می‌توانند به مفهومی وسیع‌تر و در برگیرنده تمامی مفاهیم فوق منتهی شوند. "جهانی شدن" یعنی "فاقد قلمرو بودن" (deterritorialization)، یعنی "فرامرزی شدن" (supra-territorialization) یعنی "قلمرو نشناختن"، یعنی "فواتر از قلمرو زیستن". بنابر تحلیل شولته (Scholte) پول الکترونیکی، تخریب لایه ازن، دلار، زبان انگلیسی و حتی کوکاکولا نشانه‌های جهانی شدن هستند. طبق این تعریف، جهانی شدن "فرآیندی است اجتماعی که باز میان برداشتن مرزهای جغرافیایی، که بر تمامی روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سایه افکنده است، آگاهی افراد را بطور فزاینده از کاهش این قیدها افزایش می‌دهد." به همین دلیل است که اولین مقاله در خصوص جهانی شدن با همین نام توسط رونالد رابرتسون (Robertson)، که جامعه شناس است، در سال ۱۹۹۲ منتشر شده است.

چنین نگرش‌هایی شاید برای سیاستمداران یا یک آژانس بازاریابی شرط لازم و کافی باشند ولی در مواقعی که نیاز به تحلیل اجتماعی جدی یا ارائه پیشنهادات سیاستی پیش می‌آید تنها شرط لازم تلقی می‌شوند. تعاریف اساساً موجب شکل‌گیری نحوه تشریح، ارزیابی و اقدامات می‌گردند. به عبارت دیگر، تعاریف بر تمامی فهم ما از مسائل تأثیر می‌گذارند.

کلمه جهانی شدن از کجا آمده است؟

از چندین قرن پیش کلمه "کره زمین یا جهان" (global) به سیاره زمین (planet earth) اطلاق شده است و آن مصادف با اثبات کروی شکل بودن زمین بوده است. با این وجود، در زبان انگلیسی کلمه "جهانی" (global) تنها در دهه ۱۸۹۰ مترادف "کل دنیا" قرار گرفته است. کلمه "جهانی شدن" برای اولین بار در

فرهنگ لغت آمریکایی وبستر (Webster) در سال ۱۹۶۱ ظاهر شده است. قبل از دو دهه اخیر بحث در خصوص جهانی شدن همواره مترادف با بحث "بین‌المللی شدن روابط" بوده است. حتی تا اواسط دهه ۱۹۸۰ مفاهیم "حکومت جهانی"، "بازارهای جهانی" و "مسائل جهانی" ناشناخته بوده‌اند. از آن به بعد، اشاراتی بر جهانی شدن به سرعت در زبان‌های مختلف صورت گرفت: به ایتالیایی globalizzazione، به اسپانیایی globalizacion، به پرتغالی globalizacao، به آلمانی globaisierung بسیار نزدیک به کلمه انگلیسی globalization هستند. به فرانسوی mondialisation، به رومانیایی mondializare، و به هلندی mondialisering بسیار نزدیک به مفهوم دنیایی شدن (worldization) هستند. در زبان‌های غیر از هندو - اروپایی کلمه quanqihua در زبان چینی، به فنلاندی globalisaatio، به اندونزیایی globalisasi، به کره‌ای gukje hwa، به نپالی bishwavyapikaran، به سینهالی jatyanthareekaranaya، به تایلندی lokanuvat و به ویتنامی toan kou hoa مترادف جهانی شدن هستند. زمانی کلمه جدیدی رایج می‌شود که تغییر مهمی را که در جهان در حال وقوع است را بخواهد توضیح دهد. واژه‌های جدید توصیف کننده شرایط جدید هستند. برای مثال زمانی که بنتهام (J. Bentham) در دهه ۱۷۸۰ کلمه "بین‌الملل" را بکار برد این کلمه سریعاً گسترش پیدا کرد، زیرا هم زمان با ظهور دولت‌های ملی (nation-states) و افزایش مبادلات فرامرزی بین آنان بوده است. تا آن زمان افراد از "روابط بین‌المللی" سخنی نمی‌گفتند، زیرا روابط اجتماعی تا قبل از آن تنها حول جوامع ملی در حیطه مرزهای کشورها سازماندهی شده بودند.

امروزه تحقیقات در مورد جهانی شدن رشد خوبی داشته است. تعداد ورودی‌های این کلمه در کاتالوگ کتابخانه کنگره آمریکا از ۳۴ عنوان در سال ۱۹۹۴ به ۶۹۳ عنوان در سال ۱۹۹۹ رسیده است. دانشگاه‌ها و گروه‌های فکری، دروس و پروژه‌های متعددی حول موضوع جهانی شدن ارائه کرده‌اند.

فعالیت‌های جهانی (بدون مرز) کدامند؟

شواهد متعددی برای شناسایی فعالیت‌های جهانی وجود دارند. این فعالیت‌ها موجب تسریع پدیده جهانی شدن می‌گردند: فعالیت‌های ارتباطاتی، تأمین مالی، بازارها، تولید، پول، سازمان‌ها و اکولوژیکی. ارتباطات: در حدود ۱/۵ میلیارد مسافر در سال ۱۹۹۸ از طریق

لایه ازن، پراکندگی غبار رادیواکتیو و بارش باران اسیدی است، شده‌اند. تغییرات در بیوسفر موجب تخریب جنگل‌ها و انقراض گونه‌ها شده است. تغییرات در هیدروسفر موجب افزایش سطح آب دریاها، آلودگی آب‌ها و کاهش آب شیرین شده است. تغییرات در ژئوسفر موجب بیابانی زایی و کاهش خاک مرغوب شده است. از این رو، نهادهای جهانی مانند انجمن‌های غیردولتی (NGOs) وقایع جهانی را دنبال می‌کنند و با ایجاد همبستگی‌های جهانی و صحبت از "سیاره زمین" سعی در کاهش لطمات زیست‌محیطی سایر فعالیت‌های جهانی دارند. بروز جنگ‌های اول و دوم جهانی و سپس شروع جنگ سرد و برقراری دادگاه‌های بین‌المللی برای محاکمه جنایت‌کاران جنگی و تهدید جهان توسط بمب‌های اتمی به گسترش چنین سازمان‌هایی کمک کرده‌اند. اگر جهانی شدن یا سیاره‌ای شدن را مفهومی بدانیم که هم به تراکم جهان و هم به تشدید آگاهی درباره جهان به عنوان یک کل و هم به وابستگی متقابل در قرن بیستم اشاره می‌کند می‌توان مسائل نظامی-سیاسی را در قالب "نظم جهانی"، مسائل اقتصادی را در قالب "رکود بین‌المللی"، مسائل بازاریابی را در قالب "تولیدات جهانی"، مسائل مذهبی را در قالب "وحدت‌گرایی"، مسائل مربوط به شهروندی را در قالب "حقوق بشر" و مسایل مربوط به آلودگی در قالب "نجات سیاره زمین" بحث کرد.

مراحل جهانی شدن
به منظور بررسی جدید یا قدیمی بودن پدیده جهان شدن، رابرتسون پنج مرحله یا دوره زمانی را برای توضیح شتاب جهانی شدن مطرح می‌کند:

الف) مرحله بدوی یا اولیه: این مرحله در اروپا و در بین سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۷۵۰ رخ داده است. تجزیه کلیسا و ظهور جوامع دولت مدار، چاپ اولین نقشه جهان و تقویم جهانی غرب و بروز استعمار از مشخصه‌های این مرحله هستند.

ب) مرحله نخستین: در بین

خطوط هوایی منتقل شده‌اند. تعداد ۹۰۰ میلیون خط تلفن در دنیا توانسته‌اند ۱۸۰ میلیون کاربر اینترنت را در سال ۱۹۹۹ به یکدیگر وصل نمایند. در حدود ۲ میلیارد رادیو و ۱/۱ میلیارد تلویزیون توانسته‌اند در بین رسانه‌های جمعی الکترونیکی مقام اول را بدست آورند.

تأمین مالی: بازارهای سرمایه و ارز جهانی توانسته‌اند مقادیر متنابهی از سپرده‌های جهانی، وام‌ها و بدهی جهانی را در حساب‌های خود منظور کنند. بانکداری جهانی از طریق حساب‌های دیجیتالی توانسته است از بُعد مکان رهایی یابد. اوراق قرضه جهانی مانند یورو باند توانسته است کسری‌های بودجه‌ای دولت‌ها را از مرزهای کشور فراتر ببرند.

بازارها: هزاران محصول جهانی شناخته شده‌اند. تولیدکننده‌های جهانی چنین محصولاتی نیاز به استراتژی‌های جهانی فروش دارند تا بتوانند آنها را به فروش برسانند.

پول: ارزهای جهانی مانند دلار آمریکا، مارک آلمان، ین ژاپن و اخیراً نیز یورو، پول واحد اروپایی، توانسته‌اند در اقصی نقاط جهان گسترده شده و مورد استفاده قرار گیرند. کارت‌های بانکی توسط سیستم خودپرداز (ATM) توانسته‌اند اعتبارات جهانی را

گسترش دهند و کیف‌های دیجیتالی را از پول‌های دیجیتالی پر کنند.

سازمان‌ها: مؤسسات دولتی جهانی مانند سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل متحد در تلاش هستند تا هر چه بیشتر همکاری بین کشورهای عضو را گسترش دهند. این همکاری‌ها در بسیاری از موارد به یکسان سازی قوانین در زمینه‌های تجاری، سیاست گذاری‌های دولت‌ها و شیوه اداره کشورها منجر شده‌اند.

اکولوژیکی: فعالیت‌های جهانی موجب تغییرات در اتمسفر که خود عامل پیدایش تغییراتی گسترده در آب و هوای مناطق مختلف جهان از جمله تخریب



پروازهای هوایی در ۱۹۱۹، معرفی آسپیرین بایر، آسانسور اتیس، مدل تی فورد و نسکافه در ۱۹۳۸، اولین رستوران مک دونالد در ۱۹۵۵، تشکیل اتحادیه بست جهانی در ۱۸۷۴، اینترنت در ۱۹۲۳ و سازمان ملل متحد در ۱۹۴۵.

ج) جهانی شدن در مقیاس وسیع (از دهه ۱۹۶۰ به بعد): در این مرحله شتاب بیشتری بواسطه پیشرفت تکنولوژی به جهانی شدن وارد آمده است و کماکان نیز ادامه دارد. از جمله شواهد این مرحله که بسیار متعدد هستند از این قرارند: پرتاب اولین ماهواره مخابراتی در فضا در ۱۹۶۲، برقراری اولین ارتباط کامپیوتری بین ۴ دانشگاه آمریکا در ۱۹۶۹، توسعه اینترنت در ۱۹۸۰ و صفحه گسترده جهانی در ۱۹۹۰، استفاده از ۳۰۰۰ میلیون کارت اعتباری و

خرید از طریق اینترنت، افزایش خطوط تلفن ثابت از ۱۵۰ میلیون خط در ۱۹۶۵ به ۸۵۱ میلیون در ۱۹۹۸، افزایش کاربران اینترنت از صفر در ۱۹۸۵ به ۱۸۰ میلیون در ۱۹۹۸

افزایش درآمدهای حاصل از مسافرت‌های هوایی بین‌المللی از ۱۹ میلیارد دلار در ۱۹۷۰ به ۱۵۷۹ میلیارد دلار در ۱۹۹۷ و سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم از ۶۶ میلیارد دلار در ۱۹۶۰ به ۳۲۰۰ میلیارد دلار در ۱۹۹۶، افزایش سیستم‌های کامپیوتری متصل به اینترنت از ۲۰۰ شبکه در ۱۹۸۱ به ۵۰ میلیون در ۱۹۹۹.

نتیجه آن‌که جهانی شدن پدیده‌ای جدید نیست، بلکه تاریخ آن به زمان نوگرایی و ظهور سرمایه‌داری بر می‌گردد. نوگرایی، جهانی شدن را تسریع و در طی دوران اخیر موجب تشدید آگاهی‌ها شده است.

عوامل جهانی شدن

چهار عامل را می‌توان در مورد شدت گرفتن پدیده جهانی شدن بر شمرد:

۱) گسترش خردگرایی (Rationalism): با بکارگیری ابزارهای فنی و علمی، نیروهای طبیعی برای نیل به مقاصد انسانی در اختیار گرفته می‌شوند و تکنولوژی از طریق تفکر علمی پیشرفت می‌کند.

۲) توسعه سرمایه‌داری (Capitalism): مارکسیسم موتور جهانی

سال‌های ۱۷۵۰ تا ۱۸۷۵ بروز مسائل شهروندی و صدور گذرنامه، برپایی نمایشگاه‌های بین‌المللی و انعقاد اولین پیمان نامه‌های حقوقی بین‌المللی حاکی از آشکار شدن اولین نشانه‌های جهانی شدن هستند.

ج) مرحله جهش: در این مرحله چاپ اولین تقویم جهانی، بروز اولین جنگ جهانی و شروع مهاجرت‌ها در مقیاس وسیع موجب گسترش پدیده جهانی شدن بین سال‌های ۱۸۷۵ تا ۱۹۲۵ گردید.

د) مرحله سلطه‌گرایی: بروز جنگ جهانی دوم، تشکیل سازمان ملل متحد، مطرح شدن جنایت‌های جنگی و مبارزه با تهدیدات بمب اتمی و سپس پیدایش کشورهای جهان سوم سرعت بیشتری به روند جهانی شدن بخشیدند. این مرحله بین سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۶۹ رخ داده است.

ه) مرحله عدم قطعیت: از سال ۱۹۶۹ به بعد کشفیات فضایی، شناسایی مسائل محیط‌زیست و فعالیت‌های رسانه‌های گروهی جمعی

موجب شدند تا ساکنان سیاره زمین اعتماد کمتری نسبت به مسیری که طی می‌کنند داشته باشند و تنها تا حدودی به آینده زیست محیطی آن اطمینان حاصل کنند.

پنج مرحله فوق حاکی از قدیمی بودن پدیده جهانی شدن و در عین حال شتاب گرفتن آن در دهه‌های اخیر هستند.

شولته سه مرحله را برای بروز پدیده جهانی شدن مطرح می‌کند: الف) ظهور تصور جهانی (تا قرن هجدهم): تفکر جهانی شدن در بین زرتشتیان و بودائیسیم در قرن پنجم و ششم قبل از میلاد و در بین مسلمین در قرن هفتم پس از میلاد، مطرح شدن حقوق بین‌الملل در قرن شانزدهم، بحث کندارسه از اتحاد اجتماعی جهانی در قرن هجدهم و حتی گسترش تجارت قهوه بین قاره‌های جهان موجب بروز تصوراتی در خصوص جهانی شدن فعالیت‌ها گردید.

ب) جهانی شدن مقدماتی (دهه ۱۹۵۰ - ۱۸۵۰): گسترش ارتباطات و تکنولوژی، بازارهای جهانی و محصولات جهانی، پیدایش نظام‌های پولی بین‌الملل و فعالیت‌های جهانی اولین نشانه‌های تسریع جهانی شدن هستند. از شواهد این مرحله عبارتند از: اختراع تلفن و تلگراف در دهه ۱۸۵۰، اولین

هوایی، انباشت چنین سرمایه‌ای را بیشتر می‌کنند.

سرمایه مالی در بازارهای سهام، پول و ارز متمرکز می‌شود. تولید ناخالص داخلی جهان حدود ۳۰ تریلیون دلار و گردش مالی بازارها حدود ۱۰۰۰ تریلیون دلار، اشاره به عظمت این نوع سرمایه دارند. از ۵۰۰ شرکت بزرگ دنیا، ۷۸ تا از آنها بانک هستند. گردش مالی بازار نیویورک در ۱۵ سال اخیر ۱۰ برابر شده است.

سرمایه اطلاعاتی و ارتباطی با انباشت مازاد در تکنولوژی و صنایع ارتباطات، پردازش داده‌ها و رسانه‌های گروهی از ۴ طریق موجب کسب انباشت بیشتر می‌کند: سخت‌افزار (مانند گسترش تلفن، تلویزیون و کامپیوتر، فروش ۸۰ میلیون pc در سال ۱۹۹۰، فروش نیمه هادی‌ها به میزان ۱۵۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵)، نرم‌افزار (گسترش هزاران برنامه دیجیتالی پردازش داده‌ها، فروش ۲ میلیارد دلار برنامه‌های مرتبط با اینترنت)، خدمات (گسترش شرکت‌های پیشتیبانی داده‌پرداز و ایجاد اشتغال) و حجم و ظرفیت (گسترش پایگاه داده‌ها، برنامه‌های تلویزیونی، فروش ۱۱۰ میلیارد دلاری ۵۰ شرکت در ۱۹۹۳، فعالیت ۲۰٪ از ۴۰۰ ثروتمند آمریکا در تجارت رسانه‌ها).

تغییرات عمومی نیز در شیوه حکومت دولت‌ها ایجاد شده است. به اقتدار و برتری دولت‌ها از نظر گرایش مجدد به منافع فرامرزی به اندازه داخل مرزها پایان داده شده است. جنگ‌افزارها تعریف مجدد می‌شوند. اعتماد فزاینده‌ای به مقررات چند جانبه دولت‌ها ایجاد شده است.

بخش III: موضوعات سیاسی

دولت‌ها بازسازی شده‌اند. بانک‌های اطلاعاتی، ماهواره‌های جاسوسی و موشک‌های برد بلند ابزار امنیتی - نظامی دولت‌ها را گسترش داده‌اند. به دلیل گسترش زبان اینترنت و زبان انگلیسی، زبان رایج تغییر کرده است. کارت‌های اعتباری جهانی، پول رایج تلقی می‌شوند. سرمایه‌های جهانی، ارز رایج تلقی می‌شوند. همکاری وزارتخانه‌های مختلف کشورها با یکدیگر در خصوص اپیدمی بیماری‌ها، محیط زیست مسائل اقتصادی گسترش یافته‌اند. حتی حکومت‌ها خصوصی شده‌اند. مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها توسط نهادها و سازمان‌های غیردولتی از این نوع‌اند.

جهانی شدن بر امنیت نیز تأثیر می‌گذارد. کنترل سلاح‌ها توسط حکومت‌های فرامرزی، تشکیل کنوانسیون‌های عدم استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سال ۱۹۹۷، عدم استفاده از سلاح‌های بیولوژیک و مین‌ها، گسترش استفاده از جت‌های

شدن را سرمایه‌داری می‌داند. فرصت‌های جدید از طریق تکنولوژی و وب سایت‌ها ایجاد می‌شوند و هزینه‌های شرکت‌های غول‌پیکر به دلیل چنین انباشت بالایی پایین می‌آید. به گفته دانینگ مرحله چهارم تحول سرمایه‌داری رخ می‌دهد یعنی جهانی شدن سرمایه (از ۱۹۴۵ به بعد): حرکت از فروریسم به تیلوریسم و تیوتایسیسم. در این بین ابزارهای جهانی شدن سرمایه فراهم می‌آیند: ساعت‌های دقیق به منظور تقسیم‌بندی هر چه دقیق‌تر زمان، پول به منظور افزایش سرعت و حجم مبادلات، و رسانه‌های الکترونیکی به منظور تأمین اطلاعات (حتی تا مرز انفجار اطلاعات)

۳) نوآوری‌های تکنولوژیکی (Innovations): نوآوری در زمینه‌های حمل و نقل، ارتباطات و پردازش داده‌ها، اختراع تلفن در سال ۱۸۷۶، بی‌سیم در سال ۱۸۹۵، تلویزیون در سال ۱۹۲۶، هواپیما در سال ۱۹۰۳ و حتی روش‌های جدید بسته‌بندی برخی محصولات نیز از عوامل جهانی شدن به شمار می‌روند.

۴) چارچوب‌های قانونی (regulations): مقررات و استانداردها (ایزوها) و قوانین دولتی و نهادهای غیردولتی، کپی‌رایت‌ها، آزادسازی‌ها و رفع موانع تجاری توسط اتحادیه‌های تجاری و بازار مشترک معیارهای انضباطی جهانی شدن محسوب می‌شوند.

هیچیک از این عوامل بر دیگری ارجح نیست و هر یک دیگری را تقویت می‌کند.

بخش II: تغییر و استمرار

در این بخش به دو مقوله شیوه تولید و شیوه حکومت می‌پردازیم. کالایی شدن یا محصول‌گرایی موجب می‌شود رفتاری بوجود آید که افراد پیوسته آن دسته از کالاها را که لذت آتی (مد، سلیقه) ایجاد می‌کنند را خریداری کنند. جهانی شدن موجب انباشت مازاد با استفاده از محصول‌گرایی، اطلاعات و رسانه‌های ارتباطی می‌شود. با تقسیم‌بندی سرمایه به سرمایه مصرفی، مالی و اطلاعاتی می‌توان انباشت مازاد را بوضوح مشاهده کرد.

سرمایه‌گذاری در محصولات مصرفی، مانند صنعت توربیس: ۷۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۸، ۳/۵ تریلیون دلار هزینه توربیس‌ها در همان سال، و ایجاد ۲۳۰ میلیون شغل که حدود ۱۰٪ نیروی کار دنیا را به خود اختصاص می‌دهد، معرفی محصولات فرامرزی مانند سونی، زینمس و نظایر آن، گسترش تکنولوژی‌های جهان شدن مانند ارتباطات on-line و سفرهای

جنگنده، موشک‌ها و ماهواره‌های جاسوسی بر امنیت جانی و صلح جهانی مؤثر هستند. اکنون نیروهای مسلح می‌توانند از لیزر و شبکه‌های کامپیوتری استفاده نمایند. منشور ملل متحد نیز حفظ نیروهای نظامی را مشروط به دفاع از سرزمین مجاز می‌داند. تغییر شرایط هیدروسفر، اتمسفر، بیوسفر و ژئوسفر موجب به خطر افتادن امنیت اکولوژیکی جهان شده است. از سوی دیگر امکان پیش‌بینی بلایای طبیعی و روندهای اکولوژیکی توسط پردازش اطلاعات ماهواره‌ای فراهم آمده است. برخی تکنولوژی‌های جهانی شدن آلوده کننده هستند. تخریب جنگل‌ها توسط کامپیوتر تشدید شده است. حتی ماهواره‌ها فضا را آلوده کرده‌اند. پروتکل ۱۹۸۷ مونترال از تخریب لایه ازن و گرم شدن هوای زمین خبر می‌دهد. بیماری‌هایی مانند AIDS/HIV و BSE در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شایع شده‌اند.

گسترش انتخاب‌های مصرف‌کنندگان و افزایش درآمد سرانه کشورهای جنوب، افزایش امید به زندگی، کاهش مرگ و میر کودکان و کاهش بی‌سوادی بین جوانان موجب افزایش امنیت فیزیولوژیکی شده‌اند. از سوی دیگر آزادسازی‌ها قیمت‌ها را افزایش می‌دهند. حتی چترهای حمایتی پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز برقرار شده‌اند.

جهانی شدن بر عدالت و برابری نیز تأثیر می‌گذارد. فرصت‌های شغلی با حقوق بالاتر برای زنان فراهم آمده است. تبعیض‌ها در کشورهای جنوب نسبت به شمال افزایش یافته است. از سوی دیگر کماکان سفیدپوستان نسبت به سایر رنگ‌ها و شهری‌ها نسبت به روستائیان در شرایط بهتری بسر می‌برند. سیاست‌های اقتصاد باز موجب ایجاد طبقات می‌شوند. مدیران، متخصصین و افراد ماهر شانس بیشتری برای ارتقا دارند. حتی دسترسی به بانک‌های الکترونیکی برای افراد ثروتمند بیشتر است.

کشورهای دنیا به شمال و جنوب در اوایل دهه ۱۹۶۰ توسعه یافته دهه ۱۹۶۰، توسعه یافته دهه ۱۹۶۰، توسعه نیافته در اواخر دهه ۱۹۶۰، جهان اول و سوم در دهه ۱۹۷۰، صنعتی و تازه صنعتی شده در اوایل دهه ۱۹۹۰ و غنی و فقیر در اواخر دهه ۱۹۹۰ تقسیم‌بندی شده‌اند.

ارتباطات جهانی، رادیو و تلویزیون مکانیزم‌های گسترش دموکراسی محسوب می‌شوند. استفاده از ویدیو کنفرانس‌ها و شبکه‌ها، citizen را به netizen تبدیل کرده است. حتی رأی‌گیری از طریق اینترنت نیز امکان‌پذیر شده است، هر چند هنوز استفاده از اینترنت برای بسیاری از افراد مقدور نیست. برای مثال حقوق یک ماه یک آمریکایی و حقوق ۸ سال یک بنگلادشی برای

خرید کامپیوتر کافی است.

بهبود آینده جهانی بشریت

با توجه به بحث‌های انجام شده دولت‌ها می‌توانند برای کاهش صدمات حاصل از جهانی شدن (غیر قبال اجتناب) بدین نحو عمل کنند: دولت‌ها از طریق کنترل سلاح‌ها و توسل به رژیم‌های جهانی، مدیریت تضادها از طریق فعالیت‌های صلح‌جویانه سازمان ملل متحد، اجرای سیاست‌های عمومی اشتغال و آموزش، برقراری چترهای حمایتی و استانداردهای کار، حمایت از اعتلای فرهنگی و برقراری مکانیزم‌های ضد انحصار به منظور جلوگیری از انباشت مازاد، می‌توانند امنیت و عدالت اجتماعی را بهبود بخشند. تقسیم‌بندی کشورها ناشی از سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دولت‌ها در مقابله با پیامدهای جهانی شدن بوده و نه ماهیت جهانی شدن.

جهانی شدن دارای آثار منفی و مثبت بر امنیت جوامع، برابری، فرهنگ، تولید و شیوه حکومت دولت‌ها است.

منابع و مأخذ

- Adams, F. et al. (eds) (1991) *Globalization and the Dilemmas of the State in the South*, Basingstoke: Macmillan.
- Albrow, M. (1996) *The Global Age: State and Society beyond Modernity*. Cambridge: Policy Press.
- Armijo, L.E. (eds) (1999) *Financial Globalization and Democracy in Emerging Markets* Basingstoke: Macmillan.
- Beyer, P. (1994) *Religion and Globalization*, London: Sage.
- Drucker, P.F. (1989) *The New Realities*. London: Butterworth.
- Dunning, J.H. (1993) *The Globalization of Business: The Challenge of the 1990 s*. London, Routledge.
- Ford (2001) *Website of the Ford Foundation*, <http://www.fordfound.org/>.
- Giddens, A. (1998) *The Third Way: The Renewal of Social Democracy*. Cambridge: Policy Press.
- IMF (2000) *Annual Report 1999*. Washington, DC: IMF.
- Porter, G. and J.W. Brown (1996) *Global Environmental Politics*, 2 edn. Boulder: Westview.
- Robertson, R. (1992) *Globalization: Social Theory and Global Culture*, London: Sage.
- Scholte, J.A. (2000) *Non - State Actors and Authority in the Global System*. London: Routledge.
- UNDP (1999) *Human Development Report*. 1999. New York. Oxford University Press.
- UNCHR (1999) *1998 Global Report*. Geneva: United Nations High Commissioner for Refugees, available at <http://www.unchr.ch/>.